

یادداشت

مهندسی تقاضا نیمه تاریک اقتصاد ایران

محمد رضا رضایی‌هزاوه . پژوهشگر

● اقتصاد با مطالعه رفتار عرضه و تقاضا تبدیل به علم کلاسیک شد. در کشور ما اقتصاد یعنی علم عرضه و تقاضا در خلال ۷۰ سال گذشته چه کارکردی داشته است؟ شاید عجیب به نظر برسد، ولی واقعیت این است که ما همیشه از علم اقتصاد فقط طرف عرضه را یاد گرفته‌ایم. همیشه برای پوشش و جابجایی تقاضا به فکر فربه‌کردن و ظرفیت‌سازی عرضه افتاده‌ایم. سرمایه‌گذاری برای عرضه بیشتر و بیشتر. همیشه هم غالبا از تقاضا عقب بوده‌ایم. آیا تا به حال به یاد دارید که در یک برنامه‌ریزی اقتصادی، از میوه تا مسکن و خودرو و فولاد و اشتغال و بیکاری و کمبود آب و ترافیک و نقدینگی و... را با وجه دیگری از اقتصاد یعنی مهندسی تقاضا، برنامه‌ریزی اقتصادی کرده باشیم؟ هیچ‌گاه چنین نبود. سد ساختیم تا عرضه آب را بیشتر کنیم. اگر زمان را به ۲۴ سال پیش برگردانیم و تجربیات این ۲۴ سال را هم با خود برگردانیم، چه تصمیمی می‌گیریم؟ آیا باز هم به‌صورت افراطی سد و بند و تونل انحرافی می‌سازیم و زمین را برای عرضه آب، سوراخ سوراخ می‌کنیم؟ در آن موقع ضایعات بخش کشاورزی به‌عنوان تقاضاکند ۹۰ درصد آب کشور، بین ۳۰ تا ۴۰ درصد بود. اکنون هم همان‌گونه است. آن موقع در آذرماه مسئولان قول تأمین میوه شب عید را می‌دادند الان هم. آن موقع ۹۵ درصد جریان آب بدون زهکشی و کانال انجام می‌شد اکنون تنها به ۸۵ درصد کاهش پیدا کرده است. آن موقع ما همین سبک تغذیه را داشتیم که اکنون داریم. چیرگی تفکر عرضه بیشتر، باعث اضمحلال ذخایر آب کشور شد. جمعیت ما سه برابر شد و عرضه‌گرایان جهادی، دانشگاه‌ها را هم سه برابر کردند. با اینکه ۱۰ سال است که فهمیده‌ایم که گسترش دانشگاه‌ها چه بدبختی‌های برای کشور داشته است ولی شیرینی پوپولیستی عرضه، ما را مفتخر می‌کند که بگوییم ظرفیت کلاس از دانشجو بیشتر است.

بدترین و مخرب‌ترین چیرگی تفکر عرضه در پول اتفاق افتاد. دلار فروختیم و اسکناس چاپ کردیم. هرچند این امر برای حفظ ارزش پول بود ولی مثل موارد پیش گفته باعث اضمحلال پول شد. در سال ۱۳۷۰ نرخ برابری دلار ۴۲۰ ریال بود. اگر اکنون به ۲۴ سال پیش برگردیم، اسکناس‌های سبزیمان را چنین بی‌ارزش می‌کنیم؟ آن موقع اگر اعانه ملی هم کرده بودیم و از مردم علاوه‌بر مالیات به‌جای خمس مال، نصف سال می‌گرفتیم، زیر بار چنین هتک مرتعی به پول ملی‌مان نمی‌رفتیم. بورس برای تقاضای سرمایه‌گذاری عرضه شد. سهام دولتی‌ها به خرانه‌واره‌ریز و خصوصی‌ها هم همه بانکدار و بیمه‌گر و صراف شدند. ارزش دارایی‌های شرکت‌ها به نرخ زمان عرضه اولیه نشان‌دهنده این است که بورس ایران محلی برای سپرده‌گذاری است تا سرمایه‌گذاری. توجه ساختاری و سیستمی و حیثیتی به عرضه، تمامیت فرایند آسیب‌شناسی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی و محیط‌زیست و قضای کسب‌وکار ما را تحت‌الشعاع قرار داده است. امکانات و سرمایه‌گذاری‌ها و نیروی انسانی و خلاقیت و تفکر همه ایران فدای فریبگی عرضه و ایجاد ظرفیت‌های جدید شد و بر دیوارهای شهر هم می‌نویسیم ما می‌توانیم (عرضه کنیم)، برای همین اغلب سیاست‌ها و اهداف به ضدخود تبدیل می‌شوند. عرضه و تقاضا دور روی سکه اقتصاد هستند، ولی ما همیشه و همیشه یک روی آن را بلد بودیم بخوانیم. گناه بزرگی است اگر کم‌سوادی‌مان را به سیاه‌بودن سکه طلای نفت ربط دهیم. ما به جز پاره‌ای موارد هیچ‌وقت تقاضا را مهندسی و متفرق نکردیم تا امکانات محدودمان را به‌درستی تخصیص دهیم. تخصیص منابع در اقتصاد یعنی روش‌های پوشش تقاضا، ولی همیشه برداشت کرده‌ایم و می‌کنیم که معنی آن تخصیص منابع برای تکرر بیشتر عرضه است. دهه‌ها نهاد و سازمان و بنیاد مثل دفاتر ارتباط صنعت و دانشگاه و جهاد دانشگاهی و سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی و بنیاد نخبگان و معاونت علمی و فناوری و غیره برای حمایت از کارآفرینان، مبتکران، مخترعان نخبگان درست کردیم. هزاران میلیارد تومان بودجه تخصیص دادیم، ولی از آنها خواهان عرضه بیشتر و درون‌زاکردن تکنولوژی‌ها و خودکفایی و صرفه‌جویی ارزی و جایگزینی واردات شدیم. ولی می‌دانید آنها برای خود، شان دیگری قائل هستند و با اصل صورت مسئله مشکل دارند؟ نخبگان و کارآفرین‌ها و مبتکران، از این سووتفاهم بزرگ سرگشته‌اند و دیگر به‌عنوان سرمایه ملی به حساب نمی‌آیند. باید فرهنگ غیراقتصادی بچه‌پول‌داری رخت بر بندد و با پادمان‌سازی تحریه‌ها با ایجاد سیستم و سازمان و ساختارهای جامعه‌محور، بتوانیم به عقلانیت مهندسی تقاضا در همه سطوح برسیم تا زردی سکه طلای سیاه نفت خیره‌کننده شود.

زهرها مه‌دور:

تازه‌ترین خبرها

نشان می‌دهد،

سازمان امور مالیاتی

در اقدامی جدید،

رد

دفاتر برخی شرکت‌ها

را شروع کرده است.

این سازمان در قدم اول

برای رد دفاتر،

سراغ صنعت بیمه

رفته است. درواقع

زمانی‌که اداره دارایی

به دلایل مختلف

ازجمله نبود ترازنامه و حساب

سود و زیان

و غیرقابل‌رسیدگی بودن مدارک

تواناد مالیات

یک مجموعه را محاسبه

کند، ابتدا دفاتر

شرکت را رد و سپس

رأسا وارد عمل می‌شود

و مالیات شرکت را به‌صورت

خودجوش

و براساس حدس و گمان

خود محاسبه می‌کند.

اگرچه سازمان امور مالیاتی

طبق قانون موظف است از

«علی‌الراس» به‌عنوان

آخرین رهاکار استفاده

کند، اما شنیده شده

این سازمان، شروع به

رد دفاتر و تعیین

علی‌الراس شرکت‌های بیمه‌ای

کرده؛ به

امور مالیاتی در فاز

جدید کاری خود، مالیات

شرکت‌هایی را که

عملیات آنها تحت‌نظر

حسابرسان و حسابداران

و بازسان قرار دارد، با حدس

و گمان محاسبه می‌کند.

این درحالی است که فعالان

خاکستری اقتصاد زیرزمینی

ایران، همچنان از دادن

مالیات فراری هستند، اما

جیب حقوق‌بگیران و کارگران

به محض اینکه پُر شد، زودتر

از همه، با مالیات خالی

می‌شود. حالا چند هفته‌ای

است که برنامه جدید

مالیات‌بگیران در فاز اول،

دامن صنعت بیمه‌ای را گرفته

که به اندازه کافی از محل

رشته شخص ثالث و عوارض

به دولتی‌ها، در زیان فرو

رفته است. طبق مستندات

رسیده به دست خبرنگار

«شرق» تا این لحظه، سه

شرکت بیمه‌ای مشمول رد

دفاتر از سوی سازمان امور

مالیاتی شده‌اند؛ درحالی‌که

شرکت‌های بیمه‌ای تحت

نظارت مقام عالیه- بیمه

مرکزی- به‌عنوان نهاد دولتی

فعالیت می‌کنند و حساب

سود و زیان آنها توسط

جامعه حسابرسان و بازرسان

قانونی رصد می‌شود

و حالا با همه این اوصاف،

مشمول رد دفاتر و تعیین

علی‌الراس شده‌اند. طبق

قانون، شرکت‌ها و اشخاص

حقیقی، مکلف به نگهداری

دفاتر و تحریر کردن هزینه و

درآمد خود هستند و در

صورت تحریرکردن صحیح

دفاتر، کتمان درآمد،

رعایت‌نکردن آیین‌نامه

تحریر دفاتر و تأخیر در ثبت،

مشمول رد دفاتر به معنای

عدم پذیرش و قابل‌انکابون

دفاتر می‌شوند. اما هم‌اینک

شرکت‌های بیمه با پیچیدگی‌های

فنی بسیار در درون

خود، قربانی رد دفاتری

شدند که به دیدگاه برخی

عادلا نه نیست.

عضو شورای عالی انجمن

حسابداران خبره ایران:

حق استفاده از حربه

علی‌الراس را

برای بیمه‌ای‌ها ندارد

منصور شمس‌احمدی، از

اعضای شورای عالی انجمن

حسابداران خبره ایران در

گفت‌وگو با «شرق»، درباره

پدیده رد دفاتر شرکت‌های

بیمه‌ای می‌گوید:

طبق قانون، درصورتی‌که

هیچ امکانهی برای تعیین

درآمد شرکت‌ها وجود

نداشته باشد، میزان مالیاتی

در آخرین قدم مجاز به

تعیین علی‌الراس هستند؛ در

واقع تا جایی که امکان

دارد، سازمان امور مالیاتی

حق ندارد از این حربه

استفاده کند و حتی اگر

دفاتر قابلیت رسیدگی

نداشته باشند، باز هم

باید از این راه اجتناب

کند. به‌گفته وی، صنعت

بیمه به‌دلیل وجود

اندوخته‌های بیمه عمر و

اتکایی، پیچیدگی‌های

فنی بسیار در درون

خود، قربانی رد دفاتری

شدند که به دیدگاه برخی

عادلا نه نیست.

عضو شورای عالی انجمن

حسابداران خبره ایران:

حق استفاده از حربه

علی‌الراس را

برای بیمه‌ای‌ها ندارد

منصور شمس‌احمدی، از

اعضای شورای عالی انجمن

حسابداران خبره ایران در

گفت‌وگو با «شرق»، درباره

پدیده رد دفاتر شرکت‌های

بیمه‌ای می‌گوید:

طبق قانون، درصورتی‌که

هیچ امکانهی برای تعیین

درآمد شرکت‌ها وجود

نداشته باشد، میزان مالیاتی

در آخرین قدم مجاز به

تعیین علی‌الراس هستند؛ در

واقع تا جایی که امکان

دارد، سازمان امور مالیاتی

حق ندارد از این حربه

استفاده کند و حتی اگر

دفاتر قابلیت رسیدگی

نداشته باشند، باز هم

باید از این راه اجتناب

کند. به‌گفته وی، صنعت

بیمه به‌دلیل وجود

اندوخته‌های بیمه عمر و

اتکایی، پیچیدگی‌های

فنی بسیار در درون

خود، قربانی رد دفاتری

شدند که به دیدگاه برخی

عادلا نه نیست.

عضو شورای عالی انجمن

حسابداران خبره ایران:

حق استفاده از حربه

علی‌الراس را

برای بیمه‌ای‌ها ندارد

منصور شمس‌احمدی، از

اعضای شورای عالی انجمن

حسابداران خبره ایران در

گفت‌وگو با «شرق»، درباره

پدیده رد دفاتر شرکت‌های

بیمه‌ای می‌گوید:

طبق قانون، درصورتی‌که

هیچ امکانهی برای تعیین

درآمد شرکت‌ها وجود

نداشته باشد، میزان مالیاتی

در آخرین قدم مجاز به

تعیین علی‌الراس هستند؛ در

واقع تا جایی که امکان

دارد، سازمان امور مالیاتی

حق ندارد از این حربه

استفاده کند و حتی اگر

دفاتر قابلیت رسیدگی

نداشته باشند، باز هم

باید از این راه اجتناب

کند. به‌گفته وی، صنعت

بیمه به‌دلیل وجود

اندوخته‌های بیمه عمر و

اتکایی، پیچیدگی‌های

فنی بسیار در درون

خود، قربانی رد دفاتری

شدند که به دیدگاه برخی

عادلا نه نیست.

عضو شورای عالی انجمن

حسابداران خبره ایران:

حق استفاده از حربه

علی‌الراس را

برای بیمه‌ای‌ها ندارد

منصور شمس‌احمدی، از

اعضای شورای عالی انجمن

حسابداران خبره ایران در

گفت‌وگو با «شرق»، درباره

پدیده رد دفاتر شرکت‌های

بیمه‌ای می‌گوید:

طبق قانون، درصورتی‌که

هیچ امکانهی برای تعیین

درآمد شرکت‌ها وجود

نداشته باشد، میزان مالیاتی

در آخرین قدم مجاز به

تعیین علی‌الراس هستند؛ در

واقع تا جایی که امکان

دارد، سازمان امور مالیاتی

حق ندارد از این حربه

استفاده کند و حتی اگر

دفاتر قابلیت رسیدگی

نداشته باشند، باز هم

باید از این راه اجتناب

کند. به‌گفته وی، صنعت

بیمه به‌دلیل وجود

اندوخته‌های بیمه عمر و

اتکایی، پیچیدگی‌های

فنی بسیار در درون

خود، قربانی رد دفاتری

شدند که به دیدگاه برخی

عادلا نه نیست.

عضو شورای عالی انجمن

حسابداران خبره ایران:

حق استفاده از حربه

علی‌الراس را

برای بیمه‌ای‌ها ندارد

منصور شمس‌احمدی، از

اعضای شورای عالی انجمن

حسابداران خبره ایران در

گفت‌وگو با «شرق»، درباره

پدیده رد دفاتر شرکت‌های

بیمه‌ای می‌گوید:

طبق قانون، درصورتی‌که

هیچ امکانهی برای تعیین

درآمد شرکت‌ها وجود

نداشته باشد، میزان مالیاتی

در آخرین قدم مجاز به

تعیین علی‌الراس هستند؛ در

واقع تا جایی که امکان

دارد، سازمان امور مالیاتی

حق ندارد از این حربه

استفاده کند و حتی اگر

دفاتر قابلیت رسیدگی

نداشته باشند، باز هم

باید از این راه اجتناب